

تأمین واکسن کرونا و ارائه رایگان آن،

خواست فوری طبقه کارگر است!

"عادیسازی" روابط کشورهای عربی با اسرائیل

و چشم انداز حل مسئله فلسطین

صفحه ۳

سیاوش دانشور

۵۷۵

مصلحتی نیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۵ دی ۱۳۹۹ - ۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

پیام تسلیت به مناسبت مرگ نابهنگام رفیق شیرزاد فاتح

حذف محمد کمالی از تلویزیون کومه له

در خدمت کدام انتخاب سیاسی؟

صفحه ۶

صالح سرداری

خلع ید، یک کلام، والسلام!

صفحه ۷

جاوید حکیمی

جمهوری اسلامی و واکسن کووید-۱۹

صفحه ۸

سعید یگانه

روز جهانی مهاجرت

صفحه ۹

وریا روشنفکر

واکسن بخرید!

واکسیناسیون همگان

وظیفه دولت است!

تأمین واکسن کرونا وظیفه فوری دولت است. این اولویت اورژانس هر دولتی است. هیچ مانعی برسر راهتان نیست. تعلل و بهانه جوئی برای تهیه واکسن سازماندهی کشتار جمعی است. حکومتی که عرضه تأمین این بدیهی ترین و ساده ترین نیاز همگانی را نداشته باشد باید فوراً گورش را گم کند. مقامات آن باید استعفا دهند و محاکمه شوند. برای دستگاه خرافه و ماشین سرکوب و تروریسم پول دارید اما برای میلیونها بیمار و دهها میلیون انسان در معرض خطر پول ندارید! دروغ میگوئید. با جان مردم بازی می کنید. این اقدام یک جنایت آشکار دولتی علیه ساکنین ایران است.

تأمین و ارائه سریع واکسن رایگان با استاندارد سازمان بهداشت جهانی حق فوری کلیه ساکنین ایران است. واکسیناسیون همگان وظیفه فوری دولت است! این خواست طبقه کارگر است!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه مشترک

تأمین واکسن کرونا و ارائه رایگان آن، خواست فوری طبقه کارگر است!



قربانیان ویروس کرونا در ایران هر روز بیشتر می شوند و بی مسئولیتی رژیم جمهوری اسلامی آشکارتر و توده های مردم به ستوه آمده تر! هنوز هیچ نشانه ای از تلاش جدی و برنامه ریزی دست اندرکاران رژیم برای مقابله با گسترش شیوع این ویروس و کنترل آن وجود ندارد. بر اساس آمار رسمی وزارت بهداشت که تنها انعکاس بخشی از واقعیت است، شمار جانباختگان این بیماری در ایران به بیش از «پنجاه و سه هزار نفر» رسیده است و بیش از «یک میلیون نفر» نیز به کرونا مبتلا شده اند و به رغم تلاش خستگی ناپذیر و جانفشانی های کادر پزشکی و پرستاران اوضاع بسیار فاجعه بار است.

سران رژیم از همان ابتدا به پنهان کاری عامدانه در مورد حقایق مربوط به زمان انتقال این ویروس و ابعاد شیوع آن پرداختند و این بی مسئولیتی را در طی یک سالی که این ویروس گسترش پیدا کرده، همچنان ادامه داده اند. دست اندرکاران رژیم به ملزومات پیشگیری از قبیل آزمایش گسترده از افراد برای جلوگیری از گسترش کووید ۱۹، جداسازی آنهایی که علائم ابتلاء به ویروس را نشان می دهند، ردیابی تماس و قرنطینه کسانی که در تماس نزدیک با فرد مبتلا بوده اند و بستری کردن افراد نیازمند مراقبت های ویژه، فراهم کردن ملزومات و تعطیلی مدارس و کارخانه ها و مؤسسات صنعتی و خدماتی که در آنها چرخه تولید جنبه حیاتی ندارد، قرنطینه شهرها و مراکز عمومی؛ رعایت دستورالعمل های بهداشتی و تأمین ملزومات آن از قبیل تهیه ماسک و مواد ضدعفونی کننده رایگان برای عموم بی توجه بوده اند.

اگر کشورهای که این موارد را رعایت و عملی کردند، تا حدود زیادی شیوع ویروس کرونا را به کنترل درآوردند، اما در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، این موارد به دلیل نداشتن یک سیاست روشن در مقابله با بحران کرونا، زیر ساخت ضعیف بهداشتی و درمانی توأم با فساد نهادینه شده در ارگان ها و نهادهای حکومتی، ضعف مدیریت و وجود مراکز مختلف تصمیم گیری، دست به دست هم داده و بحران کرونا را به فاجعه ای هولناک تبدیل کرده است.

اگر در بسیاری از کشورها و بویژه در اروپا در مورد تولید واکسن و میزان مؤثر بودن آن، در مورد خرید و رزرو واکسن و مرحله بندی کردن واکسیناسیون شهروندان خبر رسانی می شود و این کار آغاز شده است، در ایران مقامات حکومتی در این مورد هم به تناقض گویی و دروغ پردازی روی آورده اند و به بهانه های مختلف از جمله به امکان یا عدم امکان انتقال ارز برای خرید واکسن به خاطر تحریم ها

و ... از ضرورت تأمین این واکسن طفره می روند. این در حالی است که رئیس اتحادیه واردکنندگان داروی ایران می گوید برای انتقال ارز به خارج و واردات دارو و اقلام پزشکی هیچ مشکلی وجود ندارد. این تناقض گویی ها و تعلل آشکار در خرید واکسن نشانه آن است که دولت تاکنون برای تهیه این واکسن نه تصمیمی گرفته و نه بودجه ای اختصاص داده است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن محکوم کردن بی مسئولیتی و تناقض گوییهای سردمداران رژیم در برابر سلامت و ایمنی توده های مردم ایران و بویژه کارگران و تهیدستان جامعه که به علت فقر و تنگدستی از قربانیان اصلی اپیدمی کرونا هستند، تأمین واکسن و ارائه رایگان به مردم را یک خواست فوری و عاجل می داند و از بیانیه مشترک نوزدهم آذر ماه، هفت شکل صنفی که اعلام کرده اند: «تأمین و در دسترس قرار دادن فوری، عمومی و رایگان واکسن کرونا خواست آنی، مبرم و جدی مردم و وظیفه حیاتی حکومت نسبت به عموم ساکنان این سرزمین است» و همچنین از بیانیه روز بیست و پنجم آذر ماه، پنج شکل و نهاد کارگری که در مورد لایحه بودجه دولت انتشار داده اند و در آن تأکید کرده اند: «واکسیناسیون (کرونا) مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی از ضروریات فوری مردم است. باید هزینه آن در اولویت اول ردیف بودجه قرار گیرد» پشتیبانی می کند و همه فعالین و تشکل های جنبش های اجتماعی را فرا میخواند که فعالانه از این خواست دفاع و پشتیبانی کنند.

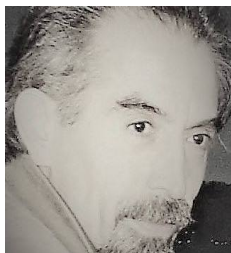
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۷ آذر ۱۳۹۹ - ۱۸ دسامبر ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

مرگ بر جمهوری اسلامی!



بعد از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و نتایج آن که تأثیرات پایداری در منطقه بجای گذاشت، همینطور با مرگ جمال عبدالناصر و بقدرت رسیدن انور سادات در سال ۱۹۷۰ و بعدتر انعقاد پیمان کمپ دیوید در سپتامبر ۱۹۷۸، تناسب قوا بدرجه زیادی تغییر کرد. سیاست آمریکا علیه بلوک رقیب شرق و طرح

کمر بند سبز امنیتی برژینسکی و سازماندهی اسلامیون در افغانستان، هدفش تضعیف جریانات و جنبشهای سکولار و سوسیالیست در منطقه در چهارچوب رقابت جهانی با شوروی آندوران بود. با افول ناسیونالیسم عرب، اسلامیسیم و جنبش اسلامی جلو صحنه می آید. با انقلاب ایران و بقدرت نشانندن خمینی توسط دول غربی، موقعیت جریانات اسلامی زیر و رو میشود. پان اسلامیسیم و جنبش اسلامی در فلسطین و در کشورهای منطقه، قدرتگیری بیشتر اخوانها در مصر، از تغییر تناسب قوا و معادلات سیاسی بفع جریانات اسلامی سخن میگویی. صدام حسین و معمر قذافی که این اواخر یکپا آخوند شده بودند آخرین سنگرهای ناسیونالیسم میلیتانت عرب بودند. سقوط بلوک شرق و راستگرایی جهانی سرعت این روند را بفع ارتجاع منطقه تشدید کرد.

در تمام این دوره مسئله فلسطین با فراز و نشیب روبرو است. اگرچه بهترین راه حل اما تنها راه حل مطلوب قرارداد اسلو و طرح تشکیل دو دولت در سالها ۱۹۹۳ بین یاسر عرفات و اسحاق رابین بود. همینطور پیمان اسلو ۲ در سال ۱۹۹۵ با عنوان "توافق موقت در مورد کرانه باختری و نوار غزه" مکمل این طرح بود که با ترور رابین در همین سال توسط جریان راست افراطی در اسرائیل بهم خورد و به محاق رفت. یک فرصت دیگر در سال ۲۰۰۲ طرح ولیعهد عربستان عبدال بن عبدالعزیز در زمان فهد بود که آنهم عملا دنبال نشد.

در دوره بیل کلینتون مذاکرات کمپ دیوید در سال ۲۰۰۰ براساس اجرای قرارداد اسلو، تخلیه سریعتر زمینهای اشغالی، تعیین حدود مرزهای بیت المقدس و مسئله بازگشت آوارگان، با اینکه بنظر میرسد که طرف فلسطینی به حداقل ها رضایت میدهد اما اسرائیل نپذیرفت و باز به شکست انجامید و به انتفاضه فلسطینیان منجر شد. یکسال بعد نیز مذاکرات طابا در مصر با حضور ناظران اتحادیه اروپا اهود باراک هر توافقی را به کل توافق موکول کرد و انتخابات اسرائیل این مذاکرات را تحت الشعاع قرار داد. با پیروزی آریل شارون قصاب تمام روزه ها برای مذاکره و هر توافقی عملا بسته شد.

"طرح صلح عربستان" که بعدتر "طرح صلح اتحادیه عرب" نام گرفت بعد از بقدرت رسیدن ملک عبدالله مجددا توسط اتحادیه عرب در مارس ۲۰۰۷ تصویب شد. در این طرح آنچه امروز در جریان است پیش بینی شده بود. از جمله در آن عنوان شده بود "در برابر استرداد همه زمینهایی که اعراب آنرا متعلق به خود می دانند، ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب، و درصدر آنها، عربستان سعودی با اسرائیل رابطه کامل سیاسی در سطح سفیر برقرار می کنند". طرح صلح عربستان هرچند از قرارداد اسلوی ۱ و ۲ عقب تر بود اما در قیاس با بلاتکلیفی طولانی مسئله فلسطین و بن بست مذاکرات بهتر و مورد توافق فلسطینیان بعنوان یکی از اعضای اتحادیه عرب نیز بود. این طرح نیز پیگیری نشد.

"عادیسازی" روابط کشورهای عربی با اسرائیل

و چشم انداز حل مسئله فلسطین

سیاوش دانشور

خاورمیانه بعنوان یکی از کانونهای بحرانی جهان در یک پروسه بازسازی بورژوائی است. تحولات خاورمیانه را نمیتوان مستقل از اوضاع و تحولات جهانی بررسی کرد. کشمکش جاری و نافرجام دنیای بعد از جنگ سرد و قطب بندیهای سرمایه داری، پیامدهای تحولات تکنولوژیک بر سیمای آینده مناطق مختلف جهان و مسائل کلیدی خاورمیانه تأثیرات جدی دارد. رقابت قدرتهای جهانی و کشورهای منطقه، تغییر صفتبندیهای سیاسی، موقعیت رو به افول جنبش اسلام سیاسی، موضوعاتی مانند جایگاه انرژی و آب و محیط زیست، گوشه هائی از این تحولات هستند که هر کدام باید جداگانه در توضیح کشمکش جاری و روند بازسازی خاورمیانه مورد بررسی قرار گیرد. بموازات اینها، یک روند مهم و بنظر من تعیین کننده، خیزشهای توده ای و کارگری است که دهسال پیش ابتدا در تونس و مصر و سپس در کشورهای دیگر جهان عرب آغاز شد و به سرنگونی تعدادی از دیکتاتوری های قدیمی منجر شد. روندی که در سال جاری در عراق و لبنان و ایران و اخیرا در کردستان عراق ادامه داشته و چشم انداز گسترش آن به حکم اوضاع عینی توده های طبقه کارگر قویا محتمل است.

در این میان مسئله فلسطین یک سوال قدیمی تر است که تحت تأثیر این رویدادها و سیاست یکجانبه حمایت آمریکا از اسرائیل هر روز بیشتر به محاق رفته است و اخیرا با روند باصطلاح "عادیسازی" و عبارت دقیق تر سازش دولتهای منطقه بیش از پیش در ابهام فرو رفته است. موضوع این یادداشت بطور فشرده همین جنبه است و بررسی تحولات خاورمیانه و مسائل آن مد نظر نیست. به این تحول جدید یعنی آنچه که عادیسازی روابط سیاسی و دیپلماتیک کشورهای عربی با دولت اسرائیل نام گرفته است چگونه باید برخورد کرد و در این میان چشم انداز حل مسئله فلسطین چیست؟

مروری مختصر بر مسئله فلسطین

مسئله فلسطین معرفه ترین و قدیمی ترین مسئله ملی قرن بیستم است که قریب هفتاد سال است لاینحل مانده است. در دوران جنگ سرد و جهان دوقطبی شرق و غرب، جنبش ناسیونالیسم عرب و جنبشهای استقلال طلبانه و ضد کولونیالیستی تحت تأثیر هژمونی افکار سوسیالیستی چپگرا و سکولار بودند و رهبران مشهور این جنبش از جمال عبدالناصر در مصر تا بن بلا در الجزایر تا سرهنگهای کودتاچی حتی خود را "سوسیالیست" معرفی میکردند. در فلسطین در کنار سازمان آزادیبخش فلسطین، سازمانهای چپگرا و شخصیتهای آن مطرح بودند و زمانی فلسطین یک پایگاه اصلی آموزش چپگرایان و فعالین جنبشهای چریکی کشور های منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بود. در ایندوره جنبش اسلامی در حاشیه است و ناسیونالیسم سکولار و میلیتانت عرب و سوسیالیسم چهارچوب فکری ای است که بیشتر حرکتهای سیاسی در منطقه از آن متأثرند.

"عادیسازی" روابط کشورهای عربی با اسرائیل

و چشم انداز حل مسئله فلسطین ...

اجلاس آنابولیس در دوره جرج بوش در نوامبر ۲۰۰۷ با مخالفت حماس روبرو شد و وعده پیگیری مذاکرات در سال ۲۰۰۸ با حمله اسرائیل به غزه در همین سال باطل شد. در دوره اوباما در سپتامبر ۲۰۱۰ در واشنگتن، دیدار و مذاکره محمود عباس و نتانیاهو با حضور حسنی مبارک رئیس جمهور مصر و ملک عبدالله پادشاه اردن از سر گرفته شد که از همان ابتدا معلوم بود که نتیجه ای نخواهد داشت. این مذاکرات نیر سرعت به بن بست رسید.

با قدرتگیری ترامپ چشم انداز حل مسئله فلسطین اگرچه تماماً اما بطور جدی کور شد. طرح الحاق و کولونیالیستی موسوم به "معامله قرن" با نمایش مسخره نتانیاهو- ترامپ و بدون حضور نماینده و فلسطین دست اسرائیل را بازتر کرد. برسمیت شناسی حاکمیت اسرائیل بر بلندیهای جولان و انتقال پایتخت اسرائیل به اورشلیم و تأیید آمریکا موضوع را پیچیده تر کرد. بایدن اخیراً از زبان یک سفیر سابق آمریکا اشاره ناروشنی به پیگیری مسئله فلسطین کرده است اما چشم انداز مذاکرات مجدد و رسیدن به توافقی که مورد قبول فلسطینیان باشد بشدت مبهم است.

رویدادهای جدید

آنچه با عنوان "عادیسازی روابط کشورهای عربی با دولت اسرائیل" در جریان است، عقب نشینی از چهارچوبهای طرح صلح اتحادیه عرب و قراردادهای اسلو است. مصر و اردن و موریتانی تاکنون تنها کشورهایی بودند که مناسبات رسمی با اسرائیل داشتند. اما اتفاقات یکسال اخیر روند جدیدتری را آغاز کرده که قالب تاکنونی را می شکند. واضح است کشورهای عربی و حکومتهای اسلامی هیچوقت طرفدار حقوق و استقلال مردم فلسطین نبودند و از مسئله فلسطین بعنوان یک کارت فشار و مانور دیپلماتیک استفاده کردند. اما به هر حال بقیه حکومتهای کشورهای عربی ظاهراً تاکنون با دولت اسرائیل مناسبات رسمی نداشته اند. نهایت پیشنهاد کشورهای حاشیه خلیج برای بهبود مناسبات یا عادیسازی روابط با دولت اسرائیل، توقف شهرک سازی ها توسط اسرائیل در اراضی فلسطینی است.

روند جاری با سفر سال گذشته نتانیاهو به عمان شتاب گرفت. عربستان در دوره بن سلمان سیاستش در رابطه با دولت اسرائیل بیشتر با سیاست مصر هماهنگ شد و تلاش دارد با پروژه های بزرگ اقتصادی مانند شهر دیجیتالی نئوم تماماً از چهارچوبهای قدیمی مناسبات اعراب و اسرائیل بکند و به دوره جدید وارد شود. اعلام عادیسازی مناسبات امارات و بحرین و شورای رهبری سودان و همینطور مراکش با اسرائیل موارد بعدی اند. این روند با دادن مشوق ها و امتیازهای اقتصادی از جانب ترامپ از فروش تسلیحات تا مسائل قدیمی مثل بازگشت صحرای غربی به مراکش همراه بوده است. آمریکا و دول غربی این حرکتها را "تحولی بزرگ" مینامند. اگر بشود اسم اینرا تحول به هر معنی گذاشت، این واقعیت است که چهارچوبهای سیاسی قدیم همراه با تحولات خاورمیانه فرو میریزند و اشکال جدیدتری بخود میگیرند. یک جنبه مهم این تحولات قبل از اینکه به فلسطین مربوط

باشد، صفتبندی در مقابل جمهوری اسلامی و نیروهای اسلامی در منطقه و ادامه سیاست تضعیف متحدین جمهوری اسلامی در لبنان و سوریه و عراق است. در این میان تنها جمهوری اسلامی است که از مسئله فلسطین بهره بردای میکند و در تلاش برای تقویت نیروهای اسلامی در آنست. اردوغان نیز در رقابتی با جمهوری اسلامی مشغول تقویت جبهه خود است اما هدف دولت ترکیه بیشتر امتیاز گیری است و قصد سرشاخ شدن با اسرائیل را ندارد. اتحادیه عرب حتی حاضر نشد پیشنهاد نماینده دولت خودگردان فلسطین مبنی بر محکوم کردن این باصطلاح روند عادیسازی مناسبات را بپذیرد. ریاض المالکی، وزیر خارجه دولت خودگردان فلسطینی، که قرار بود ریاست دوره ای اتحادیه عرب را داشته باشد، در یک نشست خبری در شهر رام الله روز اول مهرماه از تصدی این سمت انصراف داد. به اینها باید اعمال فشار به حزب الله، تشدید کشمکش با نیروهای جمهوری اسلامی در سوریه و عراق، نهائی کردن صلح با طالبان در افغانستان و تلاشی مشابه در یمن را اضافه کرد. این رویدادها همه موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه را بسیار وخیم تر و تناسب قوا بنفع حکومتهای متحد آمریکا و اسرائیل را هدف قرار داده است. در این معادلات حل مسئله فلسطین در اولویت هیچ دولتی نیست و هر پروژه فرضی موسوم به "صلح" با این چهارچوبها راه بشدت سختی را پیش رو دارد.

در این زمینه پاسخ به دو سوال ضروری است:

اول، موضع و سیاست کمونیست ها و حزب ما در قبال حل مسئله فلسطین با توجه به این تحولات چیست و دوم در قبال این روند نزدیکی و سازش دولتهای عربی با دولت اسرائیل چه نظری داریم؟

در مورد اول، یعنی حل مسئله فلسطین روشن است کشمکش برسر بازسازی بورژوازی خاورمیانه در متن صفتبندیهای جهانی و منطقه ای در جریان است و مسائل قدیم و جدید در این چهارچوب طرح و میشوند. شرایط امروز بشدت بضرر حل مسئله فلسطین است اما از نظر ما مسئله ملی باید حل شود. از نظر ما نه بهترین راه حل اما یک راه حل مطلوب هنوز طرح دو دولت در چهارچوب مفاد قرارداد اسلو است. نه سیاست کولونیالیستی الحاق ترامپ- نتانیاهو و نه ادامه وضع موجود قابل ادامه نیست. دولت مستقل فلسطین را باید برسمیت شناخت. در درجه اول آمریکا باید از حمایت یکجانبه از اسرائیل دست بردارد و دولت اسرائیل حمله به مردم بی دفاع فلسطین و قتل عام آنها را متوقف کند. قرارداد اسلو باید مبنای هر مذاکرات جدیدی باشد. ما نیازی به هیچ تجدید نظری در سیاست مان نداریم.

یک روند مطلوب دیگر، بازسازی خاورمیانه از موضع طبقه کارگر و ایجاد یک صلح و همزیستی پایدار مردم منطقه است که موتور محرکه آن برآمدهای انقلابی و خیزشهای توده ای مجدد در کشورهای خاورمیانه از جمله در فلسطین و اسرائیل است. روندی که اتفاقاً با بیانیه جوانان غزه شروع شد که ضروری است در مقابل کلیه نیروها و دولتهای ارتجاعی، نسل جدید و طبقه کارگر این کشورها علیه روند بازسازی بورژوازی خاورمیانه قد علم کند و راه حل آزادیخواهانه و سوسیالیستی خود را در قبال مسائل اساسی منطقه اعم از تروریسم اسلامی و دولتهای مرتجع و دیکتاتوری های بورژوازی، علیه فقر و فلاکت و استبداد سیاسی بمیدان بیاورد. تحولات در ایران و عراق و لبنان و کردستان عراق و کشورهای منطقه، ظرفیت اینرا دارد که معادلات و بازی بالائی ها را بهم بزند. در این چهارچوب

'عادی سازی' روابط کشورهای عربی با اسرائیل**و چشم انداز حل مسئله فلسطین ...**

حل مسئله فلسطین شرایط بسیار مساعدتری پیدا میکند و میتواند با منزوی کردن دو ارتجاع ناسیونالیسم عرب و اسلامیسیم و خیز برداشتن برای سرنگونی حکومت‌های اسلامی و بورژوائی به سمت سکولاریسم و سوسیالیسم برود. اما مطلوبیت این روند نباید یک لحظه تاکید بر حل فوری مسئله فلسطین و اعمال فشار برای تشکیل دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی را کم رنگ کند.

در مورد سوال دوم و روند عادی سازی مناسبات دولتهای مرتجع منطقه با دولت مذهبی و نژادپرست اسرائیل، سیاست چپ ناسیونالیست و اسلامگرا در قبال این وقایع شبیه موضع جمهوری اسلامی و ادامه دیدگاه ناسیونالیسم اسلامی است و کوچکترین ربطی به منافع و آزادی مردم فلسطین ندارد. ما بعنوان کمونیست و مارکسیست، مدیر و مشاور سازش و عادی سازی روابط دولتهای بورژوائی نیستیم. موافقت یا مخالفت با این روند سوال ما و طبقه کارگر نیست. این سوال شاید برای خط باصطلاح "تنش زدائی" جمهوریخواهان و اصلاح طلبان با حمایت روبرو شود و یا از موضع ناسیونالیسم اسلامی با مخالفت روبرو شود، اما برای ما بعنوان کمونیست کارگری و حکمتیست موضوعیت ندارد.

۲۴ دسامبر ۲۰۲۰

پیام تسلیت به مناسبت مرگ نابهنگام**رفیق شیرزاد فاتح**

با اندوه و تاسف فراوان، رفیق شیرزاد فاتح، کمونیست محبوب، مبارز پیگیر و خستگی ناپذیر حقوق کارگران، کودکان، زنان و معلمان، کادر برجسته هر دو حزب کمونیست کارگری کردستان و عراق، مسئول مرکز دفاع از حقوق کودکان در سن ۵۶ سالگی بر اثر بیماری کرونا امروز ۲۳ دسامبر در بیمارستان شهر "په وله" در سوئد جانباخت.

رفیق شیرزاد فاتح بیش از سه دهه از پیشروان پیگیر مبارزه علیه نظم وارونه سرمایه، علیه تبعیض و نابرابری و برای تحقق آزادی و برابری بود. بیشک مرگ نابهنگام رفیق شیرزاد برای جنبش کمونیستی و کارگری و احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان، برای جنبش دفاع از حقوق کودکان خسارت بزرگی است. فقدان او را با تداوم اهداف و به کارگیری تجارب و دستاوردهای با ارزش فعالیت‌های عمیق انسانی او میتوان پر کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست درگذشت رفیق شیرزاد فاتح را به همسر و فرزندان و همه بستگانش، به رفقای حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان و فعالین دفاع از حقوق کودکان، به دوستان و آشنایانش تسلیت میگوید و خود را در این اندوه بزرگ شریک میداند. یاد او را با پیگیری تلاشهای انسانی و مبارزاتی اش گرامی میداریم.

یاد رفیق شیرزاد فاتح زنده و گرامی باد!

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲۳ دسامبر ۲۰۲۰

دولت موظف به تامین نیازهای**معیشتی، درمانی و بهداشتی****شهروندان در شرایط گسترش****پاندمی کرونا است!****جهان بدون فراخوان****سوسیالیسم،****بدون امید سوسیالیسم،****بدون «خطر» سوسیالیسم،****به چه منجلابی تبدیل میشود!****منصور حکمت****مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!**



راست ابتدا عناصر چپ خود را می‌بلعد و واقعیات را تحریف می‌کند تا بتواند روایت و تاریخ جعلی و سیاست خود را به کرسی بنشانند.

معذوریت و ملاحظات سیاسی همیشه در تاریخ و موقعیت احزاب وجود داشته، اما در شرایطی که عناصر سطح بالای همین حکومت اقلیم علنا در خیابانها اعتراض

می‌کنند، برای کومه که تمام دنیایش را اردوگاه و گرفتن امکانات مالی از "حکومت اقلیم" تشکیل داده است، این صرفا یک بهانه و توجیه بی پایه است. تشکیلات کومه در دوره ای که ما کمونیستها حضور داشتیم و من شخصا و مستقیما در جریان بودم، در بدترین شرایط بداد هزاران آواره جنگ و بمباران رسید، خیلی ها سال ۹۱ کوچ دستجمعی مردم شهرهای کردستان عراق را از ترس حمله جنایتکارانه ارتش صدام را بیاد دارند. آن زمان کومه با تمام توان و امکاناتش به کمک مردم آواره شتافت و در اطراف مقرهایی کومه برای هزاران نفر مسکن ایجاد کرد و خوراک و آذوقه و دارو برای حداقل یک هفته در اختیارشان قرار داد. آن موقع کومه کمونیست مسئولیتش را آنگونه نشان داد. البته کسانی که امروز محمد کمالی را برای دفاع از همین مردم کردستان در مقابل دولت ضدمردمی حذف میکنند، آن روزها در سیاست گذاری و تصمیم گیریهای مهم نقشی نداشتند.

برای من بعنوان کسی که سالهای طولانی در سطوح مختلف مسئول و از کادرهای قدیمی کومه کمونیست بوده ام، برای امثال من که هنوز داغ صدها جانباخته راه آزادی و سوسیالیسم را در دل داریم، این اقدامات ننگین و حذف کادرها و فعالین چپ بنام کومه بشدت آزار دهنده است. محمد کمالی ارج و حرمت و احترامش را از تاریخی می‌گیرد که این روشهای زنده و عقب مانده نمی‌تواند آنرا خدشه دار کند.

دسامبر ۲۰۲۰

حذف محمد کمالی از تلویزیون کومه له

در خدمت کدام انتخاب سیاسی؟

صالح سرداری

مارکسیست ها همواره تاکید کرده اند که احزاب و جریانات سیاسی را نه با آنچه که راجع به خود میگویند بلکه با عمل سیاسی و تمایلات واقعی شان باید ارزیابی کرد. رهبری کومه برای چندمین بار، با توجیه "معذوریت" و "دیپلماسی"، حاضر شد در مقابل شلیک گلوله های سرمایه و حمله سرکوبگران حکومت بورژوا ناسیونالیست کرد سکوت کند و مشغول ناخن جویدن باشد، اما این تنها اقدام کومه نبود و به آن اکتفا نکرد. "جدیت" در انتخاب های سیاسی را بدانجا رسانده که هر روز بیشتر از دیروز، جناح چپ این تشکیلات را در پیشگاه ناسیونالیسم کرد قربانی میکند. این بهائی است که متاسفانه رهبری کومه برای دفن کردن تاریخ کمونیستی کومه در باتلاق ناسیونالیسم کرد و چشمک زدن به قاتلین فرزندان مردم کارگر و زحمتکش در کردستان عراق می‌پردازد.

در این مسیر، تصمیم گستاخانه اخیر آنها، حذف و برکناری رفیق محمد کمالی از تلویزیون کومه له آنهم بدلیل گفتگو با یک فعال سیاسی چپ در باره رویدادهای کردستان عراق و همزمان صدور دستپاچه اطلاعیه دلجوئی از ناسیونالیسم کرد، رفع مسئولیت در باره این گفتگو و "نامسئولانه" قلمداد کردن آنست.

با این اقدام در واقع رهبری کومه "مسئولیت" خود را در دفاع از سرکوبگران جنبشی اعلام میکند که برای نان و آزادی بمیدان آمده و احزاب حاکم را مسئول و بانی این وضعیت میدانند. کسی البته از رهبری کومه نشنید که از خانواده قربانیان و جانباختگان این رویدادها حتی بصورت پنهانی دلجوئی کند! رهبری کومه با اقداماتی از این دست و تهاجم با "زبان زبر" و تهدید و اخراج مخالفین چپ خود، در یکی دو سال گذشته دهها کادر چپ و انقلابی و منتقد راست روی رهبری کومه له را یا اخراج کرده و یا مجبور به کناره گیری شده اند. این دقیقا راهی است که پیشکسوتشان عبدالله مهتدی سالهاست در سازمان زحمتکشان پیشه کرده اند.

محمد کمالی جوان تازه وارد و کم تجربه ای نیست که در سایه معذوریت استقرار و یا امکانات مالی بتوان بدلیل مخالفت وی را خط زد و کنار گذاشت. او چهره شناخته شده ای در تشکیلات کومه و در کردستان است. محمد کمالی سالهای متمادی لوگوی رادیو کومه بود. بسیاری از جوانان انقلابی با صدای پر خروش وی و با جمله معروف "این صدای انقلاب ایران است" (تیره ده نگی شورشى ئیرانه) کومه را شناختند.

کومه کمونیست را در دهه اول بعد از انقلاب ۵۷ صدها کادر کمونیست و محبوب، از جمله محمد کمالی که یک صدای رسا در میان آنها بود ساختند، نه دیپلماتها و بورکراتهای راستی که امروز اخراج میکنند و اعضایشان را برای کامنت فیسبوکی مورد بازخواست و سین جیم در دبیرخانه قرار میدهند. اما همیشه تاریخ اینگونه بوده است که

کارگران در اعتراضات

به مجمع عمومی متکی

شوید!

جنبش مجمع عمومی

کارگری را گسترش دهید!

خلع ید، یک کلام، والسلام!

جاوید حکیمی

تنها کسانی که حقیقتا و با تمام وجود در میدان یک جنگ واقعی حضور دارند می فهمند فتح یک سنگر و یک خاکریز دشمن گاهی چه اهمیت عظیم استراتژیکی دارد. تنها نیروهای درگیر در مبارزه می دانند هر پیروزی و هر پیشروی ولو کوچک، چقدر شورانگیز است و می تواند در سرنوشت نهایی جنگ تعیین کننده باشد. جدال میان بورژوازی و پرولتاریا در ایران با کشمکش کارگران هفت تپه با کارفرمایان غارتگر آن آغاز نشده، با این همه مرکز ثقل این جدال، اکنون و اینجا، به هفت تپه منتقل گشته است. موج جدیدی که هفته پیش با هشتگ "خلع اید، یک کلام، والسلام" در جامعه راه افتاد، پاسخ مثبت اقشار مختلف تحت ستم به درخواست اسماعیل بود برای یاری رساندن به کارگران. استقبال از این درخواست بی نظیر بود، خاصه حضور بازنشستگان در تجمع مقابل دادگستری اشک از چشمان هر انسان شریفی جاری می ساخت.

اگر بگوییم جنگ در هفت تپه اینک شکلی کاملا حماسی و حیثیتی به خود گرفته است اغراق نکرده ایم. بورژوازی اسلامی چنانچه خرده هوشی و سر سوزن عقلی داشته باشد باید حکم به رفتن اسدبیکگی بدهد. ادامه پشتیبانی از این زالوی آبروباخته دیگر نه فقط به صرفه و میسر نیست بلکه هر روز ابفای زالو می تواند به تعمیق و رادیکال تر شدن اعتراض کارگران و تسری ان به تمام جامعه منتهی گردد. هم از اینروست که بسیجیان ذوب شده در ولایت برای کانالیزه کردن اعتراضات، بار دیگر با ادبیات مستعمل و مستضعف پناهی خویش وارد کارزار شده اند تا اقا و نظام را از تیررس شورش کارگران گرسنه دور نمایند. می خواهند طبق سنت اسلامی خمس و ذکاتشان، اینجا هم مفتخوری کنند. لیکن خطای فاحش بسیجیان بی عقل این است که نمی دانند رفتن اسدبیکگی می تواند توازن قوا را نه فقط به زیان دولت که کل نظام تغییر دهد. ارادل و اوپاش بی مخ نمی دانند اگر طبقه در نتیجه این پیروزی، اعتماد به نفس خویش را بازیابد و به غلیان درآید، آنگاه نبرد با آنان از جنس اسدپاشی به زنان و قلع و قمع فلان سازمان چپ و آزادیخواه نیست.

در عدم درک عواقب پسا خلع ید و تغییر توازن قوا، چپ رفرمیست و ناسیونالیست با بسیجیان اصولگرا به رغم تفاوت دیدگاه، اشتراک نظر دارند. اگر بسیج عدالت خواه صحنه پسا خلع ید را ثابت فرض می کند و می پندارد به سادگی می تواند دستاورد مبارزات کارگران را هاپولی نماید، چپ رفرمیست نیز با اتکا به همین تصویر ثابت می پرسد: گیرم اسدبیکگی رفت بعد چه؟ و بدین ترتیب درک متافیزیکی و لایتغیر خود را از جدال طبقاتی آشکار می کند. مثل این است بگوییم گیرم رهبران اخراجی کارگران به کارخانه بازگردند، بعد چه؟ اینها متوجه نیستند نتایج نهایی پسا خلع ید را ادامه جدال طبقاتی تعیین می کند و درست به همین دلیل باید با تمام قوا خود را برای آن آماده ساخت. اگر حکومت ارادل و اوپاش بسیجی را برای هاپولی کردن هفت تپه به میدان فرستاده است، کمونیست ها نیز به مثابه پیشروان آگاه و آماده جانفشانی، این سوی میدان آماده اند.

این نکته را انگل های نشسته در شورای امنیت ملی به حکم موقعیت عینی شان در جدال طبقاتی نیک می دانند و راز ادامه حمایت سفیهانه از زالو درست در همین "دانایی" است. حاصل آنکه حکومت نه می تواند از زالو دست بکشد و نه از او خلع ید کند. تمام هوشمندی اسماعیل این شایسته ترین و صدیق ترین نماینده کارگری در همینجاست. او که

روزی با شعار تشکیل شوراهای مستقل کارگری پایه گذار نقطه عطفی در تاریخ مبارزه جنبش کارگری گردید اینک با مطالبه خلع ید از کارفرما حکومت را عملا بر سر دوراهی قرار داده و آچمز کرده است.

حکومت می داند مستقل از اینکه اسدبیکگی بماند یا برود نخست باید کارگران به ویژه نمایندگان شجاع و از جان گذشته آنان را مرعوب و در صورت امکان محو نماید. اخراج پانزده نماینده کارگران به بهانه دفاع از حرمت نداشته یک پیرمرد پرحاشیه اقدامی در این راستا بود. علیرغم اینکه حکومت پیروزی خود را در این اقدام مسجل می دانست و برای تضمین و تثبیت آن، نیروی انتظامی و یگان ضد شورش را به استمداد طلبیده بود، لیکن چیزی جز شکست خفت بار و بازگشت شکوهمند کارگران اخراجی عایدش نشد. وقتی می گوییم جنگ اینجا شکل حماسی و حیثیتی به خود گرفته است یعنی همین. عقل سود محور و محاسبه گر، بورژوازی را به رفتن اسدبیکگی مجاب می کند. آنها برای حفظ نظامشان گنده تر از زالو را قربانی کرده اند. با این همه تحمل یک شکست خفت بار دیگر، بورژوازی را از اعلام نظر قطعی پیرامون مساله خلع ید منصرف می سازد. خوب می دانند که تن دادن به صدور حکم خلع ید تحت فشار کارگران راه رفتن روی لبه تیغ است. مساله برای بورژوازی بودن یا نبودن اسدبیکگی نیست. حضور کارگران در صحنه و آمادگی کامل جامعه برای حمایت بی دریغ از آنهاست که کار را برای زالوصفتان دشوار ساخته است. آن بازگشت شکوهمند نمایندگان اخراجی به آغوش کارگران، هفت تپه ای ها را برای هجوم جری تر ساخت. "شما نتوانستید قهرمانان طبقه را از ما جدا کنید لیکن ما نوجه شما را با خفت و خواری از کارخانه بیرون می کنیم!". فشرده این پیام به حکومت چنین شد؛ خلع اید، یک کلام، والسلام!

۲۴ دسامبر ۲۰۲۰

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com



این رفتار بشدت جنایتکارانه و بازی با جان مردم، امتداد سیاست رژیم اسلامی از آغاز شیوع ویروس کرونا است که با پنهانکاری تلفات انسانی بالایی به مردم تحمیل کرد. هرچند کسی به سران دروغگو و قاتل رژیم اسلامی باور ندارد اما حتی و بفرض محال حرفهایشان واقعیت داشته باشد، باز آشکارا سران جمهوری اسلامی مسبب درجه اول

شرایطی هستند که مردم را مثل برگ خزان از پای در می آورد و اکنون نیز با تعلل در تهیه واکسن به آنان خسارت جانی و روانی بیشتری تحمیل می کند. مردم تولید تاسیسات اتمی و موشکهای بالستیک را به جمهوری اسلامی سفارش نداده اند که امروز مجبور باشند ضرر و زیان آن را بر دوش بکشند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در مورد هر آنچه که به بقا و تداوم حیات ننگین اش مربوط باشد، ولخرج است و موانع را بر طرف می کند. اما برای آنچه که به زندگی، معیشت و سلامت مردم ربط داشته باشد، پول ندارد و توجیه می کند.

کسی نمیداند که در آغاز شیوع ویروس کرونا، کمک ۵ میلیون یورویی بریتانیا و فرانسه و آلمان از طریق سازمان بهداشت جهانی چه سرنوشتی پیدا کرد؟ حتی کمکهای فوری بهداشتی این سازمان سر از بازار سیاه درآورد. آیا واکسن کووید ۱۹ نیز به چنین سرنوشتی دچار خواهد شد و مردم ناچار خواهند شد برای تهیه آن دست به جیبهای خالی خود ببرند؟ نباید اجازه داد که جمهوری اسلامی به بهانه تحریم و قاچاق و پولشویی و هر مانعی که خود به وجود آورده و مردم کوچکترین نقشی در آن نداشته اند، بیش از این زندگی مردم را با مرگ و نابودی روبرو کند. برخورداری از واکسن کووید ۱۹ حق بی چون و چرای همه شهروندان است و دولت موظف است که آن را تهیه و بطور رایگان در اختیار عموم ساکنین ایران قرار دهد. تامین معیشت، سلامت و اکنون تهیه فوری واکسن کووید ۱۹ وظیفه دولت است و باید این مطالبات را با قدرت اعتراض به حکومت جنایتکار اسلامی تحمیل کرد.

۲۳ دسامبر ۲۰۲۰

جمهوری اسلامی و واکسن کووید-۱۹

سعید یگانه

در شرایطی که مردم جهان از تولید واکسن کووید-۱۹ خوشحال هستند و همه دولتها واکسیناسیون رایگان را آغاز کرده اند، مردم ایران باید برای آن بجنگند و هشتک بزنند که واکسن تهیه کنید! مردم رژیم اسلامی را خوب می شناسند و شکی نداشتند که در این زمینه مثل همه موارد دیگر با مشکل روبرو خواهند شد. از ابتدا روشن بود که با توزیع واکسن کووید-۱۹، جمهوری اسلامی باز مردم را با دشواری روبرو خواهد کرد و همین هم شد. در روزهای اخیر بحث خرید واکسن و تناقض گویی مسئولین این واقعت را بخوبی آشکار کرده است. جمهوری اسلامی با اینکه تحریم دارویی نیست و قاعدتا نباید موانعی برای خرید واکسن وجود داشته باشد، بطور جدی پای تهیه و خرید واکسن نیست و سوال اینست که این مسئله مهم مربوط به سلامتی و جان مردم به چه سرنوشتی دچار خواهد شد.

خودشان اعتراف میکنند که در حوزه دارو مشکل تحریم نداریم، اما مشکل "اف آی تی اف" داریم که نتوانسته ایم به موقع هزینه واکسن را پرداخت کنیم. از طرف دیگر مسئولان وزارت بهداشت گفته اند که به دلیل دشواری حمل و نقل واکسن ضد کرونای فایزر که می بایست در دمای منهای ۷۰ درجه سانتیگراد نگهداری شود از خرید واکسن صرفنظر کرده اند. علی مطهری گفته است که به سبب آنکه جمهوری اسلامی در فهرست سیاه "اف آی تی اف" قرار دارد نتوانسته اند ۵۰ میلیون دلار سهمیه ایران برای خرید واکسن را پرداخت کنند در نتیجه سهمیه ایران باطل شده است. علی ربیعی سخنگوی دولت نیز به همین چرندیات بسنده کرده و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند و مشکلات را به همدیگر پاس می دهند. به روی خود نمی آورند که مسئول همه مشکلاتی که مردم امروز به آن دچار شده اند خود اینها و دیگر سران جنایتکار رژیم منحوس شان است.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه

جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان

حاکمیت!

"امادام که در نظامی هويت انسانی اوليه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت

روز جهانی مهاجرت

وریا روشنفکر



را تجربه کرده باشد، به خوبی میداند که مشقات آواره شدن و تلاش برای ساختن یک زندگی جدید، بدرجات مختلف تأثیرات عمیقی بر روان پناهجویان برجای میگذارد، هرچند در موارد زیادی زندگی در جامعه جدید بسیار دلچسپ تر و نسبتاً ایمن است. بقول برتولت برشت "موضوع غم انگیز در پدیده مهاجرت فقط آنجا نیست که از جایی به جای دیگر

باید کوچ کرد بلکه آنجایی که میروی در می یابی که جای تونیست!" این عبارت البته شاید در دورانی خاص و برای اشخاصی مصداق داشته باشد و یا کسانی که روحیات شدید ملی گرایانه دارند، هر جای دنیا را "جای خود ندانند" و یا فرد نتواند در جامعه جدید جای خود را باز یابد. با اینحال در مورد پناهندگی این انتخاب و پشیمانی هم وجود ندارد و امری که از اول بر اجبار متکی است، دیگر اینگونه مسائل شاید بلاموضوع است.

آنچه که روزانه در تراژدی های انسانی که پناهندگان را در کام خود می کشد، صدها انسان بی پناه از زن و مرد و نوجوان و کودک تا افراد میانسال و پا به سن گذاشته که در مسیر جنگ برای زندگی جان خود را از دست میدهند، تنها یک سند از جنایت نظام کنونی و سردمداران آن در قرن بیست و یکم است. امری که باید مایه شرم دنیای کنونی باشد به مسابقه در تعیین تشدید این سیاستها توسط دولتها بدل شده است. بی شک هیچ پدیده کودکش را در قایق مرگ نمی گذارد و به تلاطم دریا نمی سپارد مگر اینکه زادگاهش متلاطم تر و طوفانی تر از دریا باشد. هیچ مادری کودکش را از آغوشش دور نمی کند مگر آنکه بداند باید برای جنازه کودکش آخرین لالایی را بخواند. این تراژدیهای بی پایان صحنه هائی از بربریتی است که بر جهان ما حاکم است.

به اعتقاد ما همه انسانها فارغ از تعلقات کاذب نژادی و ملی، فارغ از جنسیت و رنگ پوست، حق دارند و شایسته یک زندگی آزاد و مرفه در هر جای این کره خاکی هستند. آنچه که به عنوان مرزهای جغرافیایی و کشوری توسط دولتها و مناسبات دنیای امروز بر جمعیت کره خاکی تحميل گشته است، در واقع زنجیر اسارت آنها در بازار داخلی سرمایه داران متعدد برای سازماندهی استثمار فرد از فرد است. این نظام و قوانین حاکم بر آن پاسخگوی نیازهای سرمایه داران و دولتهای سرمایه داری است اما در تناقض با آزادی عمل انسان ها در ظرفیتهای مختلف است. چرا نباید هر فردی برحسب توانش در سرپانگاهدانشتن جامعه و تولید نیازهایش شرکت کند و برحسب نیازش از نعمات و امکاناتی که دستجمعی ایجاد شده است بهره مند باشد؟

این امری ممکن است اگر قید و بندها و زنجیرهایی که نظام امروز بر دست و پا و جسم و روان ما بافته است را بگسلانیم و از هم باز کنیم. تنها راه نیل به چنین وضعیتی یک تغییر رادیکال، در هم شکستن قهر و سلطه طبقه حاکم توسط یک انقلاب کمونیستی است. بشر میتواند آزاد باشد اگر بخواهد!

۲۴ دسامبر ۲۰۲۰

سازمان یونسکو روز ۱۸ دسامبر را بعنوان روز جهانی مهاجرت نامگذاری کرده است. مهاجرت پدیده ای دائمی است، از مناطق و شهرهای کوچک به مناطق و شهرهای بزرگ و یا از این کشور به کشور دیگر. مهاجرت عمدتاً برای اسکان در جاهانی که امکان تداوم کار و زیست به لحاظ طبیعی بیشتر است و گردش نیروی کار و نیازهای اقتصادی صورت می گیرد. در طول ادوار مختلف؛ انسانها به دلایل گوناگون مجبور به تغییر و عزیمت از سکونتگاه خود شدند تا محلی دیگر برای بنا نهادن زندگی نو و تامین شرایطی مطلوب تر برای ادامه حیات پیدا کنند. مهاجرت برای بخشهای مرفه تر غالباً با خواست خود فرد و به منظور هدف مشخصی انجام میگیرد اما برای بخش دیگری یک اجبار اقتصادی برای ادامه زندگی بوده است. مهاجرت با پناهندگی تفاوت دارد. این دومی یک نوع دیگر از کوچ و تغییر محل زندگی است که عمدتاً برای نجات جان از حکومتهای وحشی و خودکامه و آدمکش که افراد را بدلائل مختلف سیاسی و عقیدتی تحت تعقیب قرار میدهند، صورت می گیرد. پناهنده کسی است که انگار خانه اش آتش گرفته و گریخته است. پناهندگی تماماً محصول نظام امروز و جنگ و رقابت و شرایط اجتماعی ای است که توسط حکومتها به بخشهای مختلف مردم این کشورها تحمیل شده است.

در دنیای امروز که سلطه سرمایه داری و قوانین تبعیض گر آن در کره خاکی حکمفرماست، در دنیایی که کلیه نیازهای متنوع انسانها تا قدرت خلاقیت و نیروی کار بعنوان کالا در بازار عرضه میشود و در جهت تامین سود و فربه نمودن طبقه حاکم سرمایه دار به کار گرفته میشود، پناهندگی یک محصول عملکرد و قوانین حاکم این نظام است. جنگ، گرسنگی و قحطی، ناامنی اقتصادی و اجتماعی، فقر، ممنوعیت های قانونی و مذهبی برای ابراز وجود فردی و جمعی انسانها، وجود حکومتهای فاسد و دیکتاتور، از جمله عوامل اجبار انسانها برای ترک اجباری محل زندگی خویش و پناهنده شدن به جایی دیگر است.

طبق گزارش جدید کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل، تعداد کسانی که در تعریف کلی پناهندگی از نظر این سازمان جای میگیرند از مرز هشتاد میلیون نفر گذشته است که حدود چهار درصد این پناهندگان از کشور ایران می باشند. کشورهای سوریه، ونزوئلا، افغانستان، سودان جنوبی، میانمار، سومالی، کنگو، سودان، آفریقای مرکزی و اریتره در حال حاضر در صدر لیست کشورهای پناهنده ساز جهان قرار دارند. برآستی اگر قوانین حرکت و سلطه تبعیض گر و نابرابر سرمایه بر جهان حاکم نباشد، نظامی که در آن انسان و کرامت و امنیت و رفاهش جایی ندارد و فقط تامین منافع طبقه حاکم قطبنمای اصلی حرکت است، اگر افراد آزاد بودند و از حقوق و رفاه مناسبی برخوردار بودند، آیا هیچ دلیلی برای آوارگی میلیونها انسان در کره خاکی وجود داشت؟

هرکس که تجربه سخت و باید گفت در موارد زیادی خطرناک پناهندگی

دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفته با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرد، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیسست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!